

دکتر رابرت ای. پترسون، روح القدس و اتحاد با مسیح، جلسه ۱۴، مبانی اتحاد با مسیح در پولس، دوم قرن‌تیان، غلاطیان و افسسیان

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت پترسون در تدریس خود در مورد روح القدس و اتحاد با مسیح است. این جلسه ۱۴، مبانی اتحاد با مسیح در پولس، دوم قرن‌تیان، غلاطیان و افسسیان است.

ما به مطالعه خود در مورد اتحاد با مسیح در تاج آن آموزه در عهد جدید، که نوشته‌های رسول پولس است، ادامه می‌دهیم.

خیلی خلاصه، می‌خواهم بخش کوچکی از دوم قرن‌تیان ۱۲: ۱ و ۲ را بخوانم و به آن اشاره کنم. باید به لاف زدن ادامه دهم، هرچند چیزی از آن عاید نمی‌شود. در ادامه به رؤیایها و مکاشفات خداوند خواهم پرداخت. من مردی را در مسیح می‌شناسم که ۱۴ سال پیش، به آسمان سوم برده شد.

چه در جسم و چه خارج از جسم، نمی‌دانم. خدا می‌داند. پولس ادامه می‌دهد و ما را مسخره می‌کند چون می‌گوید این مرد، ظاهراً خود پولس است، این مرد چیزهایی شنیده که نمی‌توان به زبان آورد.

بنابراین، پولس به ما می‌گوید که این مرد به بهشت، به حضور خدا، به آسمان سوم، جایی که خدا ساکن است، رفت و این چیزهایی را شنید که نمی‌توان بیان کرد، و بنابراین نمی‌تواند به ما بگوید که آنها چه هستند. این حال، تمام نکته من این نیست. منظور این است که عبارت «من مردی را در مسیح می‌شناسم» چیزی شبیه به این معنی می‌دهد.

من یک مرد مسیحی را می‌شناسم. در مسیح، این اصطلاح آنقدر رایج شده که یک فرد در مسیح می‌تواند به معنای یک فرد مسیحی باشد. این نشان می‌دهد که این کلمات چقدر رایج شده‌اند.

این تمام چیزی است که می‌خواهم در مورد دوم قرن‌تیان ۱۲: ۱ و ۲ بگویم. ای کاش بیشتر در مورد آنچه پولس شنیده بود می‌دانستیم، اما اینها چیزهایی بودند که نمی‌توان گفت و انسان نمی‌تواند آنها را بیان کند. او یک شخصیت تقلیدکننده است. غلاطیان ۲. اوه، قول می‌دهم.

غلاطیان ۲: ۱۵ تا ۲۱. ما خود یهودی زاده هستیم و نه گناهکار غیریهودی. با این حال می‌دانیم که انسان نه با اعمال شریعت، بلکه با ایمان به عیسی مسیح عادل شمرده می‌شود.

بنابراین ما نیز به عیسی مسیح ایمان آورده‌ایم تا از طریق ایمان به مسیح و نه از طریق اعمال شریعت، عادل شمرده شویم. زیرا از طریق اعمال شریعت، هیچ‌کس عادل شمرده نخواهد شد. این آیه، مؤکدترین آیه در عهد جدید است که نشان می‌دهد عادل شمرده شدن از طریق فیض و از طریق ایمان است و نه از طریق اعمال.

پولس بارها و بارها این را می‌گوید. اما اگر در تلاشمان برای عادل شمرده شدن در مسیح، ما نیز گناهکار شناخته شدیم. آیا پس مسیح بنده گناه است؟ قطعاً نه.

می‌گویند megenoita باشد که هرگز چنین نشود. این فکر نابود باد -- در یونانی به آن

اگر آنچه را که ویران کرده‌ام، از نو بسازم، ثابت خواهم کرد که گناهکارم. زیرا به وسیله شریعت، نسبت به شریعت مُردم تا برای خدا زیست کنم. با مسیح مصلوب شده‌ام.

دیگر من نیستم که زندگی می‌کنم، بلکه مسیح است که در من زندگی می‌کند. و این زندگی که اکنون در جسم دارم، با ایمان به پسر خدا است که مرا محبت کرد و خود را برای من فدا کرد. من فیض خدا را باطل نمی‌سازم.

زیرا اگر پارسایی از طریق شریعت بود، پس مسیح بی‌هوده مرد. در این زمینه، پولس علیه هرگونه تلاش برای عادل شمرده شدن از طریق اعمال شریعت صحبت می‌کند. این جمله سه بار در آیه ۱۶ آمده است.

نجات فقط از طریق ایمان به مسیح است. در مسیح، عیسی در آیه ۱۶ هدف ایمان را نشان می‌دهد. ایمان به عیسی مسیح، ایمان به مسیح، ایمان به عیسی مسیح.

مسیح مفعول شخصی است که به او اعتماد می‌شود. آیه ۱۷، به همراه رومیان ۳:۲۴، یکی از تنها دو جایی است که پولس مسیح را با عادل شمرده‌گی مرتبط می‌کند. او اتهام یهودی‌گرایان مبنی بر اینکه مؤمنان یهودی گناهکار می‌شوند را رد می‌کند، اتهامی که یهودی‌گرایان غیریهودیان را به دلیل عدم پیروی از شریعت گناهکار می‌دانستند.

پولس اتهام یهودی‌گرایان مبنی بر اینکه مؤمنان یهودی با معاشرت با غیریهودیان گناهکار می‌شوند را رد می‌کند. پولس، مسیح را به عنوان بنده گناه، مفهومی که البته او رد می‌کند، با مؤمنانی که در مسیح عادل شمرده می‌شوند، مقایسه می‌کند. کمپبل با بصیرت است و من «با طرح این سوال که آیا مسیح مروج گناه است، پولس تلویحاً می‌گوید که مسیح در صورت عادل شمرده شدن گناهکاران عمل کرده است. بهترین برداشت از این سوال که آیا مسیح با در نظر گرفتن او به عنوان فردی که به طور فعال در عادل شمرده شدن دخیل است، گناه را ترویج می‌کند، حاصل می‌شود. در نتیجه، قرائت ترجیحی «در مسیح «یا» توسط مسیح «در اینجا، نسبت دادن مفهوم عاملیت است. مسیح عادل شمرده شدن را به ارمغان می‌آورد. ما به وسیله او عادل «شمرده می‌شویم».

از آنجا که پولس در مرگ خود از نظر معنوی به مسیح پیوسته است، به این دلیل است که او با مسیح درگذشت. رسول دیگر زندگی نمی‌کند، بلکه مسیح در او زندگی می‌کند.

البته، من به آیه ۲۰ اشاره می‌کنم. من به وسیله شریعت، نسبت به شریعت مُردم تا برای خدا زیست کنم. آیه ۲۰، من با مسیح مصلوب شده‌ام، ۲۰.

نه، دیگر من نیستم که زندگی می‌کنم، بلکه مسیح است که در من زندگی می‌کند. و زندگی‌ای که اکنون در جسم دارم، با ایمان به پسر خدا است که مرا محبت کرد و خود را برای من فدا کرد. زیرا پولس در مرگ مسیح از نظر روحانی به او پیوسته است، یعنی او با مسیح و در مسیح مرده است.

رسول دیگر زندگی نمی‌کند، بلکه مسیح در او زندگی می‌کند. آیه ۲۰، پولس شخصیت او را انکار نمی‌کند، بلکه می‌گوید پولس قدیمی که در آدم بود با مسیح مرده است. عصر جدید با رستاخیز مسیح طلوع کرده است و اکنون همه مؤمنان از زندگی عصر آینده لذت می‌برند.

این حیات جاودان نامیده می‌شود. در اینجا نیز پولس تأکید می‌کند که مسیح در او ساکن شده است. این متن به طرز شگفت‌انگیزی مصلوب شدن همزمان با مسیح و سکونت او در مؤمنان را مرتبط می‌کند.

عیسی نه تنها مُرد و بیرون از ما رستاخیز یافت، بلکه آمد تا خانه‌اش را با ما بسازد و ما را قوم خود سازد. اف. بروس ایده آیه ۲۰ را در متن آن به تصویر می‌کشد. نقل قول، تغییر خداوندی از شریعت به مسیح رخ داده است، اما این همه ماجرا نیست، همانطور که پولس می‌گوید

رسول می‌نویسد: من با مسیح مصلوب شده‌ام. کسانی که به مسیح ایمان می‌آورند، با آن ایمان با او متحد می‌شوند، چنان متحد که تجربه او اکنون تجربه آنها می‌شود. آنها در مرگ او با نظم قدیمی تحت شریعت، و تحت شریعت، در آیه‌ای که در این متن آمده است، شریک هستند.

و در پولس، چهار، چهار و رستاخیز او به حیات جدید را مقایسه کنید. آنها در مرگ مسیح به نظم قدیمی که قطعاً شامل شریعت در آیه ۱۹ نیز می‌شود، سهیم هستند. از طریق شریعت، من به شریعت مردم و آنها در رستاخیز او به حیات جدید، اتحادی شگفت‌انگیز و گرم با عبور مسیح، سهیم هستند.

بسیاری از مؤمنان غلاطیان ۲:۲۰ را حفظ کرده‌اند و این ایده بسیار خوبی است. غلاطیان ۳:۱۳ و ۱۴. متن با آیه ۱۰ شروع می‌شود.

زیرا همه کسانی که به اعمال شریعت تکیه می‌کنند، زیر لعنت هستند، زیرا نوشته شده است، لعنت بر هر کسی که به تمام آنچه در کتاب شریعت نوشته شده است، عمل نکند و آنها را به جا نیاورد. اکنون، آشکار است که هیچ کس در برابر خدا به وسیله شریعت عادل شمرده نمی‌شود، زیرا پارسایان به وسیله ایمان زیست خواهند کرد. مسیح با گذشتن از ۱۳ مورد، ما را از لعنت شریعت رهایی بخشید و برای ما تبدیل به لعنت شد.

زیرا نوشته شده است، هر که بر دار آویخته شود، ملعون است تا در مسیح عیسی، برکت ابراهیم به غیریهودیان برسد تا ما روح موعود را از طریق ایمان دریافت کنیم. در این زمینه، پولس علیه هرگونه تلاشی برای عادل شمرده شدن با اعمال شریعت صحبت می‌کند. ببخشید، و چشم من مرتکب خطای کاتبی شده بود که به جای اشتباهی نگاه می‌کرد.

غلاطیان ۳:۱۳ و ۱۴. بیایید دوباره این را امتحان کنیم. در متنی که از برکت وعده داده شده به ابراهیم صحبت می‌کند، نفرین‌شکنان سزاوار مجازات آن هستند.

متن از برکتی که به ابراهیم وعده داده شده بود صحبت می‌کند و می‌گوید که رهایی از لعنت، مجازاتی است که قانون‌شکنان سزاوار آن هستند. پولس در مورد جایگزینی مجازات، سخنان قدرتمندی بیان می‌کند. مسیح لعنت، مجازاتی را که ما قانون‌شکنان سزاوار آن بودیم، به خود گرفت.

در مصلوب شدنش، او برای ما نفرین شد. چرا؟ تا ما را از نفرین شریعت رهایی بخشد. ۱۳، مسیح ما را از نفرین شریعت رهایی بخشید.

و این روشی است که او با آن این کار را انجام داد. با تبدیل شدن به یک نفرین برای ما، همانطور که در تثنیه آمده است، هر کسی که از درخت آویزان شود، نفرین شده است. مسیح نفرین ما، مجازات ما را بر خود گرفت.

او به جای ما مُرد تا ما را از تهدید، مجازات و لعنت شریعت - آیه ۱۳ - رهایی بخشد. نتیجه این است که ما برکتی را که خدا به ابراهیم وعده داده بود، دریافت می‌کنیم.

آیات ۸ و ۹. آن برکت وعده داده شده بود. کتاب مقدس، با پیش‌بینی اینکه خدا غیریهودیان را از طریق ایمان عادل خواهد شمرد، پیشاپیش به ابراهیم بشارت داد و گفت: «در تو همه ملت‌ها برکت خواهند یافت. بنابراین، کسانی که ایمان دارند، همراه با ابراهیم، مرد ایمان، برکت می‌یابند».

و این هدف از لعنت شدن مسیح برای ما است. بنابراین، در آیه ۱۴، مسیح ما را از لعنت شریعت رهایی بخشید، و در آیه ۱۳، همانطور که عهد عتیق نشان می‌دهد، آن را برای ما تبدیل به لعنت کرد. تا، آیه ۱۴ از غلاطیان ۳، در مسیح عیسی، برکت ابراهیم به غیریهودیان برسد تا ما بتوانیم روح موعود را از طریق ایمان دریافت کنیم.

احتمالاً در مورد مسیح عیسی، آیه ۱۴ به صورت ابزاری استفاده شده است. از طریق دستاورد نجات‌بخش مسیح است که خدا غیریهودیان را برکت می‌دهد. علاوه بر این، از طریق ایمان به مسیح، ما روح‌القدس وعده داده شده در عهد عتیق، آیه ۱۴ را دریافت می‌کنیم.

در اینجا به ساکن شدن در بدن به عنوان دریافت روح اشاره شده است. غلاطیان ۴:۶. فرزندخواندگی، آموزه فرزندخواندگی، در بسیاری از جاهای عهد جدید ذکر شده است. در کتاب پولس، بحث بر سر این است که آیا در یوحنا نیز به آن اشاره شده است یا خیر.

فکر می‌کنم در یوحنا ۱:۱۲ و اول یوحنا ۳:۱ آمده است. چند سال پیش کتاب کوچکی در مورد فرزندخواندگی نوشتم. فرزندخواندگی توسط خدا. اما مطمئناً پولس متخصص الهیات فرزندخواندگی است، شکی نیست.

و او در دو جای اصلی این آموزه را در بستری گسترده‌تر مطرح می‌کند. یکی در رومیان ۸، آیات ۱۴ تا ۱۷ است. که در واقع، اندکی پس از آن نیز به آن اشاره‌هایی دارد.

مورد دیگر غلاطیان ۴: ۱ تا ۶ است. و آن را نیز می‌توان به غلاطیان ۳، آیات ۲۶، تا ۴: ۷ تعمیم داد. در یک متن معروف فرزندخواندگی، غلاطیان ۴: ۶، پولس شادی می‌کند که مؤمنان دیگر برده گناه نیستند، بلکه پسران و وارثان خدا هستند. اجازه دهید غلاطیان ۴: ۴ تا ۷ را بخوانم. اما هنگامی که زمان به کمال رسید، خدا پسر خود را فرستاد، که از زن زاده شد، و تحت شریعت زاده شد، تا کسانی را که تحت شریعت بودند، نجات دهد، تا ما بتوانیم فرزندخواندگی را به عنوان پسر دریافت کنیم. و چون شما پسر هستید، خدا روح پسر خود را در قلب‌های ما فرستاده است، که فریاد می‌زند، ابا، پدر.

پس تو دیگر برده نیستی، بلکه پسر هستی. و اگر پسری از طریق خدا وارث است، همه اینها به این دلیل ممکن شده است که پدر پسر خود را فرستاد تا کار رستگاری خود را به انجام برساند، آیات ۴ و ۵. پولس در آیه ۶ یکی از نتایج شگفت‌انگیز بسیار را برجسته می‌کند. چون شما پسران هستید، خدا روح پسر خود را به قلب‌های ما فرستاده است که فریاد می‌زند، پدر، پدر، ابا، پدر.

در اینجا، تثلیث در یک عبارت واحد ظاهر می‌شود. پدر، روح‌القدس را فرستاد، همانطور که قبلاً پسرش را فرستاده بود. روح‌القدس با محبت، روح پسرش نامیده شده است.

پدر است. روح‌القدس، روح پسر پدر است. پدر، روح را به قلب‌های ما فرستاد، یعنی تا در his مرجع ضمیر ما ساکن شود و همیشه با ما باشد.

روح به کسی که او را فرستاده است شهادت می‌دهد. او در قلب‌های ما فریاد می‌زند: «ابا، پدر.» روح به همراه ایمانداران شهادت می‌دهد که آنها به خدا تعلق دارند، که فرزندان او هستند.

رومیان ۸:۱۶ را مقایسه کنید. خود روح با روح ما شهادت می‌دهد که ما فرزندان خدا هستیم. همانطور که قبلاً گفتم، «آبا» به معنای «آبا» یک اصطلاح محبت‌آمیز است که کودکان برای پدر خود به کار می‌برند. این زبان کودکانه نیست، به معنای «دادا» نیست، بلکه به معنای «پاپ»، «بابا»، «بابا»، «پدر» یا هر اصطلاح محبت‌آمیز دیگری است که برای پدر محبوب و مهربان روی زمین به کار می‌برید.

پولس از این اصطلاح برای پدر آسمانی ما استفاده می‌کند، و البته عیسی نیز به ما آموخت که این کار را انجام دهیم. غلاطیان ۲۲:۵-۲۳، بخش «میوه بزرگ روح». «ابتداء، اعمال جسم، غلاطیان ۵:۱۹ و آیات بعدی وجود دارد.

اعمال نفس آشکار است، بی‌عفتی جنسی، ناپاکی، شهوت‌رانی، بت‌پرستی، جادوگری، دشمنی، نزاع، رشک، خشم، رقابت، نفاق، دسته‌جمعی، حسادت، مستی، عیاشی و چیزهایی از این قبیل. همانطور که قبلاً به شما هشدار دادم، به شما هشدار می‌دهم که کسانی که چنین کارهایی را انجام می‌دهند، پادشاهی خدا را به ارث نخواهند برد. اما ثمره روح، عشق، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری، فروتنی و خویش‌شننداری است.

هیچ قانونی علیه چنین چیزهایی وجود ندارد. و آنان که به مسیح عیسی تعلق دارند، نفس را با هوس‌ها و امیالش مصلوب کرده‌اند. اگر به روح زیست می‌کنیم، بیایید با روح نیز گام برداریم.

بیایید مغرور نشویم، یکدیگر را تحریک نکنیم و به یکدیگر حسادت نوزیم. پولس عملاً تعلق به مسیح را به عنوان مصلوب شدن با او برای هوس‌ها و امیال گناه‌آلود تعریف می‌کند، آیه ۲۴. غلاطیان ۶:۱۴ را مقایسه کنید، اما از من دور باد که جز به صلیب خداوندان عیسی مسیح فخر کنم، که به وسیله آن دنیا برای من مصلوب شده است و من برای دنیا.

بنابراین، یک ارجاع متقابل خوب، آیه ۶:۱۴ است. رسول از مؤمنان به عنوان کسانی که متعلق به مسیح هستند یاد می‌کند. ریچارد لانگنکر به درستی ادعا می‌کند که کسانی که متعلق به مسیح عیسی هستند، کسانی هستند که در مسیح عیسی هستند. تفسیر لانگنکر بر غلاطیان

این متن اعمال جسم و ثمره روح را در مقابل هم قرار می‌دهد. آیه ۲۴ تنها جایی است که در این متن به اتحاد با مسیح اشاره شده است. قوم مسیح در روایت او مشارکت دارند.

در اینجا، آنها با او برای جسم خود مردند. منظور پولس این است که انگیزه‌های گناه‌آلود ما با پسر خدا کشته شدند و دیگر حق تسلط بر ما را ندارند، همانطور که در رومیان ۶ دیدیم. ما ممکن است گناهکارانه تسلیم قدرت آنها شویم، اما این ضروری نیست. مسیح مُرد تا سلطه آنها بر زندگی ما را بشکند.

وقتی اجازه می‌دهیم آنها ما را کنترل کنند، فراموش می‌کنیم که چه کسی هستیم. اگر بخواهید، ما از فراموشی روحانی رنج می‌بریم. ما کسانی هستیم که به مسیح تعلق داریم و با او در جسم خود مرده‌ایم.

باز هم، لونگنکر درست می‌گوید و من نقل می‌کنم که ایثار مسیح از طریق مرگ بر روی صلیب، مضمون اصلی نجات‌شناسی غلاطیان است. 1:4، 3:1، 3:13، 6:12، 6:14 را مقایسه کنید. یکی شدن با مسیح در مصلوب شدنش به معنای نوع جدیدی از وجود برای مؤمن است. فعلاً، مسیح در من زندگی می‌کند، غلاطیان یکی شدن با مسیح در مصلوب شدنش، پیامدهایی برای مسائلی دارد که مربوط به آزادی خواهی است. 2:20.

بنابراین در اینجا در آیه ۲۴، اینکه پولس در مصلوب شدن مسیح ادعای هویت با او را داشته باشد، به این معنی است که فرد نمی‌تواند سبک زندگی‌ای را اتخاذ کند که بیانگر جهت‌گیری شریعت‌گرایانه یا آزادی‌خواهانه

باشد. زیرا در بودن با مسیح، هم الزامات شریعت و هم تمایلات نفسانی نیز مصلوب شده‌اند. زیرا با مصلوب شدن با مسیح، هم الزامات شریعت و هم تمایلات نفسانی نیز مصلوب شده‌اند.

رومیان ۷: ۱-۶، کولسیان ۲: ۱۳-۱۵، افسسیان ۱: ۷-۱۰ را مقایسه کنید. در واقع، افسسیان ۱: ۳-۱۴، یک جمله طولانی به زبان یونانی سرشار از اتحاد با مسیح است. و من چند آیه را انتخاب می‌کنم که ممکن است معمولاً در این زمینه به آنها اشاره نشود. افسسیان ۱: ۷-۱۰. در او، آن مسیح عزیز است، و ما از طریق خون او رستگاری داریم، بخشش گناهان ما، بر اساس غنای فیض او، که او آن را در کمال حکمت و بصیرت به ما ارزانی داشت، و راز اراده خود را بر اساس هدف خود، که او در مسیح به عنوان طرحی برای کمال زمان برای متحد کردن همه چیز در او، چیزهای آسمان و چیزهای زمین، قرار داد، به ما آشکار ساخت.

یک بار دیگر، رسول کلمه‌ای را که نشان‌دهنده‌ی نجات است با اتحاد با مسیح ترکیب می‌کند. در او ما رستگاری را داریم، آیه ۷. رستگاری به معنای رهایی بردگان با پرداخت بهایی است. در این مورد، خون مسیح مرگ خشونت‌آمیز او بر روی صلیب.

این منجر به رستگاری، آزادی بردگان و «بخشش گناهان ما» می‌شود، گناهایی که ما را در بندگی نگه داشته بودند. در او، ما رستگاری داریم. در او، او احتمالاً ظرافت یک صفت مکانی را دارد که به صورت مجازی استفاده می‌شود.

ما به قلمرو مسیح تعلق داریم و دیگر در قلمرو اسارت معنوی نیستیم، زیرا با مرگ او نجات یافته‌ایم. بعداً در مورد ظرافت‌های واقعی زبان مسیح صحبت خواهیم کرد و خواهیم دید که کاربرد غالب آن به نظر می‌رسد انتقال قلمرو از قلمرو شیطان یا جهان به قلمرو یا پادشاهی یا قلمرو مسیح است. ما اکنون به قلمرو مسیح تعلق داریم و دیگر در قلمرو اسارت معنوی نیستیم، زیرا با مرگ او نجات یافته‌ایم.

پولس وقتی می‌گوید، «خداوند راز اراده خود را بر اساس هدفش به ما شناساند، هدفی که در مسیح به عنوان طرحی برای کمال زمان فرستاد تا همه چیز را در او متحد کند» (آیات ۹ و ۱۰)، دامنه دید خود را از نظر زمانی، و کیهانی گسترش می‌دهد. این کاربرد «در مسیح» در کنار بیان طرح خدا برای متحد کردن همه چیز در مسیح یکی از معدود مواردی است که پولس از عبارت «در مسیح» برای نشان دادن اتحاد مستقیم با مسیح استفاده می‌کند.

قبلاً گفته‌ام، و اینجا واقعاً به کار کنستانتین کمپیل وابسته‌ام، که کتابش در مورد اتحاد با مسیح در پولس معیار است. همه ارجاعات به اتحاد با مسیح، اول از همه، در مسیح، در او، که در آن همیشه به اتحاد با مسیح اشاره نمی‌کنند. وقتی این کار را می‌کنند، همه آنها یک حس اساسی از صحبت در مورد رابطه با مسیح دارند، درست است؟ اما فراتر از آن، آنها دوازده تفاوت ظریف دارند.

من در طول مسیر، در انتخاب متون نمونه‌ام، به برخی از آنها متوسل شده‌ام، اما بیشتر آنها این کار را نمی‌کنند؛ همه به طور غیرمستقیم به رابطه با مسیح اشاره دارند. شش مورد از آنها اشاره مستقیم به اتحاد با مسیح دارند. آخرین کاربرد «در او» نیز مکانی است، که به صورت مجازی برای صحبت از مسیح به عنوان نقطه کانونی یا هدف استفاده می‌شود.

در آیه ۱۰ آمده است که نقشه خدا این است که همه چیز را در او متحد کند، چه در آسمان و چه در زمین. نقشه خدا این است که همه چیز را در آسمان و زمین در مسیح به عنوان هدف گرد هم آورد. ابراین به خوبی می‌گوید، نقل قول می‌کند: مسیح کسی است که خدا انتخاب می‌کند تا کیهان را در او خلاصه کند، کسی که در او هماهنگی را به جهان بازگرداند.

او نقطه کانونی است، نه صرفاً وسیله، ابزار یا کارگزاری که همه اینها از طریق او اتفاق می افتد. مسیح واسطه است، ابزار است. من کلمه کارگزار را دوست ندارم، اما او واسطه است.

او، اما او همچنین هدف است. اکنون تأکید بر جهانی است که در مسیح به عنوان نقطه کانونی متمرکز و متحد شده است. آموزه پولس در مورد مسیح بسیار عظیم است.

او نماینده خدا در خلقت است. کولسیان ۱، اول قرنیتیان ۸:۶. او از خداست، مانند خدا، او کار تدبیر را انجام می دهد. کولسیان ۱، درست همانجا، آیه ۱۷، درست همانجا.

او تنها واسطه است، و همچنین او پایان، هدف نقشه خداست، همانطور که در افسسیان ۱:۹ و ۱۰ می بینیم. یعنی، مسیح همه چیز در همه چیز است، خالق، نگهدارنده، نجات دهنده، تمام کننده، وارث همه چیز. افسسیان ۱:۱۱ تا ۱۳.

باز هم، فقط یک بخش کوچک از این متن فشرده را انتخاب می کنم. افسسیان ۱:۳ تا ۱۴ مملو از اشاراتی به اتحاد با مسیح و همه چیز از برگزیدگی پیش از زمان گرفته تا مسیح به عنوان هدف کیهانی آشتی خدا با جهان است. افسسیان ۱:۱۱ تا ۱۳.

در او، این دوباره مسیح است. ما میراثی یافته ایم، زیرا بر اساس قصد او که همه چیز را مطابق رأی آزاده خود انجام می دهد، از پیش تعیین شده ایم، تا ما که اولین کسانی بودیم که به مسیح امیدوار بودیم، بتوانیم جلال او را ستایش کنیم. در او، شما نیز، هنگامی که کلام حقیقت، انجیل نجات خود را شنیدید و به او ایمان آوردید، با روح القدس موعود مهر شدید، که ضامن میراث ماست تا زمانی که آن را برای ستایش جلال او به دست آوریم. در او، ما میراثی دریافت کرده ایم، ما میراثی به دست آورده ایم، بیان دیگری از نجات در اتحاد با مسیح است.

در او، این فعل مکنمند است، و به صورت مجازی به کار رفته است، تا دامنه یا قلمرو را نشان دهد و هدف را محدودتر کند. در آیه قبلی، هدف گرد هم آوردن همه چیز، یعنی جهان، در مسیح بود. در اینجا، پولس تمرکز را به مؤمنان محدود می کند.

میراث ایمانداران، تمام جهان در زمین جدید است. همه چیز از آن شماسست، چه پولس یا آپولوس یا کیفا از جهان، چه زندگی یا مرگ، چه حال یا آینده، همه چیز از آن شماسست، اول قرنیتیان ۳:۲۱، ۲۲، همانطور که قبلاً دیده ایم. بنابراین، او از گفتن اینکه مسیح هدف است، جهان هدف رستگاری است، و مسیح تمرکز آن است، دست می کشد.

حالا، او به بخش کوچکتری از آن می رسد و می گوید که مؤمنان هدف نجات بخش خدا هستند. و مؤمنان وارث خواهند بود؛ آنها میراثی دارند، و این میراث، تثلیث مقدس و زمین جدید است. وای

وقتی رسول می گوید ما، منظورش یهودیان، مؤمنان یهودی، اولین کسانی بودند که به مسیح امید بستند؛ او از مسیح برای بیان این حقیقت استفاده می کند که مسیح موضوع امید یا ایمان مسیحیان است. همین امر در مورد دومین کاربرد «در او» در افسسیان ۱:۱۳ نیز صادق است. شما، نقطه، نقطه، نقطه، به او ایمان آوردید.

مسیح هدف ایمان نجات بخش است. آیا مفهومی اساسی از رابطه با او وجود ندارد؟ البته که وجود دارد. اما نکته ظریف این است که وسیله، یا هدف، ببخشید، ایمان نجات بخش چیست.

، او همچنین معنی می‌دهد، اما اینجا یک مفعول است. کسی به او ایمان دارد. وقتی رسول می‌گوید ما یهودیان، او فقط همین را گفته است.

، اولین کاربرد «در او» در آیه ۱۳، کاربرد مجازی مکان برای نشان دادن قلمرو، حوزه، و پادشاهی است. پدر مؤمنان را با روح القدس در قلمرو مسیح مَهر می‌کند. خدا ما را به طور دائم بخشی از قلمرو مسیح می‌کند، زیرا روح، تضمین میراث ماست تا زمانی که آن را به دست آوریم و جلال او را ستایش کنیم.

یا همانطور که در آیه ۴۳۰ آمده است، خدا ما را تا روز رستگاری مهر و موم کرد. در اینجا دوباره همان آموزه مهر و موم در نوشته‌های پولس آمده است. اغلب مورد غفلت قرار می‌گیرد، کمتر شناخته شده است.

اگر دوم قرن‌تین ۱:۱۹ تا ۲۲، افسسیان ۱:۱۳، ۱۴، و افسسیان ۴:۳۰ را کنار هم بگذاریم، به این نتیجه می‌رسیم. پدر مَهرکننده است. او کسی است که ما را مَهر می‌کند.

کسانی که مَهر شده‌اند، ایمانداران هستند. همینجا همین را می‌گوید. شما نیز، وقتی انجیل را شنیدید و ایمان آوردید، در او مَهر شدید.

پدر مَهرکننده است، ایمانداران مَهر شده‌اند. مَهر چیست؟ مَهر، روح القدس است. مَهر بر ما، شخصی از الوهیت است.

در او، شما نیز، وقتی نظم حقیقت، مژده نجات خود را شنیدید، و به او ایمان آوردید، در او، با روح القدس موعود مهر شدید. این در عهد عتیق وعده داده شده است، و اکنون او در پنطیکاست آمده است. در او، شما توسط پدر با روح القدس موعود، که تضمین کننده است، مهر شدید و غیره.

مَهر کردن، کار مهربانانه‌ی پدر است که از طریق آن، او روح را به عنوان نشان مالکیت خود به ما می‌دهد. اما نکته‌ی اصلی در این سه متن، افسسیان ۱:۱۳، ۱۴، افسسیان ۴:۳۰، دوم قرن‌تین ۱:۱۹ تا ۲۲، حفظ یا امنیت است. اشیاء در هر دو عهد مَهر می‌شدند تا از آنها محافظت شود، تا در امان بمانند.

مردم مَهر شده‌اند. همه مؤمنان توسط پدر با مَهر روح القدس برای روز رستگاری مَهر شده‌اند و هیچ چیز نمی‌تواند آن مَهر را بشکند. هیچ چیز نمی‌تواند بر روح القدس خدا غلبه کند.

علاوه بر این، پدر، ایمانداران را مهر می‌کند، آنها را با روح مهر می‌کند، و آنها را مهر می‌کند، همانطور که حدس زدید، آیه ۱۱، در او، آیه، متاسفم، ۱۳، در او، شما مهر شدید. منفعل الهی، پدر ایمانداران را با روح القدس مهر کرد، و او این کار را در مسیح انجام داد. اتحاد ما با مسیح محکم است.

اوه، من موافقم. در او از آن قلمرو مسیح صحبت می‌شود. اما باز هم، زیربنای تمام آن کاربردهایی که مربوط به اتحاد با مسیح است، رابطه با اوست.

خدا ما را به قلمرو مسیح وارد کرد. پدر ما را از طریق کار کفاره پسر و از طریق روح القدس که نجات را برای ما به ارمغان می‌آورد، به قلمرو پسر وارد کرد و ما در مسیح در امان هستیم. در امان از گناه؟ خیر.

عشق ورزیدن، خدمت کردن و لذت بردن از خدا برای همیشه امن است. افسسیان ۲:۴ تا ۱۰، متن فوق‌العاده‌ای است. خدای من.

پس از صحبت در مورد سه دشمن ما، دنیا، نفس و شیطان، به طور خلاصه و فشرده، مانند هر جای دیگری در کتاب مقدس، افسسیان ۲: ۱ تا ۳، در آیه ۴ می‌خوانیم: اما خدا، که به خاطر محبت عظیمی که به ما داشت، در رحمت خود دولتمند است، حتی زمانی که در گناهان خود مرده بودیم، ما را با مسیح زنده کرد. به فیض، شما نجات یافته‌اید، ما را با او برخیزانیده‌اید و در جای‌های آسمانی در مسیح عیسی نشانیده‌اید تا در اعصار آینده، ثروت بی‌کران فیض و مهربانی خود را نسبت به ما در مسیح عیسی نشان دهد. زیرا به فیض شما از طریق ایمان نجات یافته‌اید و این نجات کار خودتان نیست، بلکه هدیه خداست، نه نتیجه اعمال، تا هیچ کس نتواند به خود ببالد.

زیرا ما ساخته‌ی دست او هستیم که در مسیح عیسی برای کارهای نیک آفریده شده‌ایم، کارهایی که خدا از پیش مهیا کرده تا ما در آنها گام برداریم. رسول تعلیم می‌دهد که مؤمنان در رستاخیز و جلسه‌ی مسیح، یعنی نشستن او در دست راست خدا پس از عروجش، با او متحد شدند. خدا نه تنها ما را با او برخیزانید (آیه‌ی ۶) بلکه ما را در جای‌های آسمانی در مسیح عیسی با او نشانند.

هر برکت نجات در مسیح عیسی است. این بدان معناست که آنها در عروج مسیح نیز به او پیوسته‌اند. در مرگ، تدفین، رستاخیز، عروج ضمنی و نشستن در آسمان نیز به مسیح پیوسته‌اند.

تنها جایی که این را می‌گوید اینجاست. خدا ما را با مسیح در آسمان نشانند. پولس دو بار در این متن تعلیم می‌دهد که ما از نظر روحانی مرده بودیم، یعنی فاقد حیات خدا بودیم، آیات ۱ و ۵. ما نیاز داشتیم که زنده شویم، و این دقیقاً همان کاری است که خدا انجام داد.

او ما را با مسیح زنده گردانید، آیه ۵. با اتحاد روحانی ما با مسیح قیام کرده، ما را از نو زنده می‌کند. بدین ترتیب زندگی مسیح از آن ما می‌شود و ما از نظر روحانی زنده می‌شویم. پیتر ابرایان بر این حقایق که در افسسیان ۲:۴ تا ۱۰ تعلیم داده شده است، تأکید می‌کند.

خوانندگان پولس با مسیح که مرده بود و دوباره زنده شد، زنده شده‌اند. بنابراین، زندگی جدید آنها، سهیم شدن در زندگی جدیدی است که ما هنگام برخاستن او از مردگان دریافت کردیم. تنها در اتحاد با اوست که «مرگ مغلوب می‌شود و زندگی جدید، بخش جدایی‌ناپذیر خلقت جدید خدا، می‌گردد».

پولس زنده کردن مردگان روحانی توسط خدا را مظهر فیض می‌داند. به همین دلیل است که در انتهای آیه ۵ یک نکته فرعی اضافه می‌کند. آیا متوجه این موضوع شدید؟ حتی زمانی که در گناهان مرده بودید، خدا شما را با مسیح زنده کرد. او می‌گوید، به فیض، شما نجات یافته‌اید و ما را با او برخیزانیده‌اید و غیره.

نسخه الکترونیکی انجیل به درستی این کلمات، «به فیض نجات یافته‌اید»، را با خط فاصله از هم جدا می‌کند. پولس نمی‌تواند جلوی خودش را بگیرد. مظهر فیض، زنده کردن مردگان توسط خداست.

در واقع، مطالعه‌ی چند ماهه اول قرن‌تین ۱۵ برای یک پروژه‌ی کتاب کاملاً درست است. از نظر کتاب مقدس، افراطی‌ترین نمونه‌ی فیض مطلق، رستاخیز مردگان توسط خدا در پایان عصر است. هیچ چیز نمی‌تواند بزرگتر از این باشد.

آه، کلام من. و در اینجا، زنده کردن مردگان از نظر روحانی در حالی که زنده هستند، و انتقال آنها از مرگ روحانی به حیات روحانی در تجدید حیات، نیز یک عمل بزرگ فیض است. بنابراین، پولس زنده کردن مرگ روحانی توسط خدا را مظهر فیض می‌داند.

به همین دلیل است که او این را در انتهای آیه ۵ کنار می‌گذارد. به فیض، شما نجات یافته‌اید. فیض، کمک خداوند به کسانی است که نمی‌توانند به خودشان کمک کنند. فیض، نجات کسانی است که ناامیدانه گم شده‌اند.

در یک کلام، آنها از نظر روحانی مرده هستند. پولس تکرار می‌کند که خدا ما را با او برخیزانید و سپس اضافه می‌کند که ما را با او در جای‌های آسمانی در مسیح عیسی نشانند - آیه ۶. در مسیح، عیسی به معنایی که ما به عنوان عقل سلیم دیده‌ایم، یعنی یک معنای مکانی، که از مکان صحبت می‌کند و به صورت استعاری برای صحبت از قلمرو مسیح استفاده می‌شود، به کار رفته است.

اما به طور مشخص، این بار، ما در بهشت با مسیح نشستیم. اگر اعتراض شود که فعل "نشسته با" از قبل این ایده را بیان می‌کند، باید به خاطر داشت که تکرار یک عملکرد طبیعی زبان انسان است. بله، نویسندگان کتاب مقدس خود را تکرار می‌کنند.

شاید گاهی برای تأکید، اما فکر می‌کنم شاید بیشتر اوقات چون مادرشان اینطور صحبت می‌کرد. در اینجا ما در پیروزی مسیح بر رئیس قدرت هوا و شیاطینش شریک هستیم. اتحاد ما با مسیح آنقدر حیاتی است که حیات‌بخش، پویا و ناگسستی است که گویی با او عروج کرده‌ایم و در آسمان با او نشستیم.

این موضوع به خوبی توسط فرانک تیلن مطرح شده است. نقل قول، غیرمعمول‌ترین عنصر در مورد هر سه فعل، زنده شدن با، برخاستن با و نشستن با، زمان گذشته آنهاست. در اینجا، زندگی، رستاخیز و مقام سلطنتی مسیحیان در مسیح، رویدادهایی هستند که قبلاً اتفاق افتاده‌اند.

در اینجا، نجات چیزی است که به طور قطعی برای مؤمنان وجود دارد. آنها قبلاً با مسیح زنده شده‌اند، قبلاً با او قیام کرده‌اند و حتی قبلاً با او در جاهای آسمانی نشستند. رستاخیز آنها، به نوعی، قبلاً اتفاق افتاده است.

با کولسیان ۳:۱ مقایسه کنید. نقل قول پایانی. تفسیر خوب فرانک تیلن از افسسیان. خدا عشق خود را به ما ارزانی داشت، زمانی که ما از نظر روحانی مرده بودیم.

او ما را به مسیح قیام کرده، صعود کرده و نشست پیوند داد، تا ما در پیروزی او بر قدرت‌ها، قدرت‌های شیطانی، شریک باشیم. هدف خدا از انجام این کارها چیست؟ افسسیان ۲:۷ می‌گوید که در اعصار آینده، او ممکن است ثروت بی‌کران فیض و مهربانی خود را نسبت به ما در مسیح عیسی نشان دهد. در مسیح عیسی، از این کلمه برای نشان دادن شناخت یا آشکار شدن چیزی استفاده شده است.

در این مورد، مهربانی خدا. ما واقعاً اکنون مسیح را می‌شناسیم، اما هنوز چیزی ندیده‌ایم. آنچه خدا در مسیح «برای ما انجام داده است، یک واقعیت است، اما تنها در اعصار آینده به طور کامل دیده خواهد شد».

اُبراین به ما یادآوری می‌کند که رسول از زبان خلقت برای صحبت در مورد خلقت جدید استفاده می‌کند. نقل قول: ما ساخته دست او هستیم که در مسیح عیسی برای کارهای نیک آفریده شده‌ایم، کارهایی که خدا از قبل آماده کرده است و ما باید در آنها گام برداریم.

آیه ۱۰، خلقت جدید، اگرچه تنها زمانی به طور کامل آشکار می‌شود که مسیح بازگردد، با قدرت آغاز شد. زمانی که او از مردگان برخاست. برای مؤمنان، تجربه نجات اکنون به معنای بازآفرینی در مسیح عیسی است. این عبارت آشنا به صورت ابزاری استفاده می‌شود.

پدر خلقت جدید را طرح‌ریزی کرد و این خلقت از طریق مسیح عیسی، یعنی توسط او و کار نجات‌بخشش، به اجرا در می‌آید. در سخنرانی بعدی، به بررسی رساله افسسیان و شهادت آن به آموزه شگفت‌انگیز اتحاد با مسیح ادامه خواهیم داد.

این سخنرانی دکتر رابرت پترسون در مورد روح‌القدس و اتحاد با مسیح است. این جلسه ۱۴، مبانی اتحاد با مسیح در پولس، دوم قرن‌تین، غلاطیان و افسسیان است.